

## ساخت الگوهای ترکیبی برای سیاست‌گذاری عمومی\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۲/۲۰

محمد رضا احدی<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۹۹/۵/۱۸

دکتر محمد رحیم عیوضی<sup>۲</sup>

## چکیده

مسائل عمومی نتیجه واقعیت‌های اجتماعی هستند که معمولاً با استفاده از الگوهای فکری و ساخت‌های ذهنی درک و تبیین می‌شوند. شناخت این الگوها به‌عنوان ابزار سیاست‌گذار و چگونگی کاربرد و ترکیب آن‌ها در حوزه مسائل عمومی از ضرورت‌های اولیه سیاست‌گذاری است. از این پژوهش دستیابی به الگوهایی نسبتاً کامل برای سیاست‌گذاری و حل مسائل عمومی است. مابین پژوهش مطالعه‌ای مروری است که در آن تقسیم‌بندی‌های مختلف الگوهای سیاست‌گذاری عمومی ارائه، سپس چگونگی استخراج الگوهای ترکیبی در حوزه سیاست‌گذاری عمومی تبیین شده است. براساس یافته‌های این پژوهش الگوهای سیاست‌گذاری عمومی دارای سه وجه ادراکی چرخه فرایندی، رویکرد و انواع الگوها هستند که شناخت و تبیین آن‌ها در استخراج الگوی ترکیبی برای حل مسائل کلان عمومی لازم و ضروری است. یکی از وجوه الگوهای سیاست‌گذاری عمومی، چرخه فرایندی آن‌ها است. از بررسی و تحلیل این بخش به چهار مؤلفه مشترک، به‌عنوان چرخه فرایند حداقلی برای یک الگوی سیاست‌گذاری عمومی دسترسی حاصل شد. این چرخه شامل مراحل: طرح مسئله، تصمیم‌گیری و تدوین سیاست، اجرای سیاست و ارزیابی سیاست است. رویکردهای حاکم در تدوین الگوهای سیاست‌گذاری عمومی، فضای کلی هر الگو را تشکیل می‌دهد و شناخت وجه سیاسی حاکم بر هر الگو را برای سیاست‌گذار به همراه می‌آورد. همچنین در نتیجه مطالعه انواع الگوهای سیاست‌گذاری عمومی، گستره شناختی سیاست‌گذار نسبت به ابزارهای موجود توسعه می‌یابد و در ادامه و بر اساس سه وجه بالا، فرایند ساخت این الگوها برای حل مسائل عمومی، در قالب یک چرخه چهاروجهی (و حداقلی) مورد تبیین قرار گرفته و این فرایند با لحاظ ضرورت‌های محیطی به‌عنوان لزوم بومی‌سازی الگوهای سیاست‌گذاری عمومی تکمیل گردید.

## واژگان کلیدی: الگو - سیاست‌گذاری - سیاست‌گذاری عمومی - الگوهای ترکیبی - مسائل عمومی

\* این مقاله برگرفته از رساله دوره دکتری با عنوان طراحی الگوی سیاست‌گذاری عمومی دولت جمهوری اسلامی ایران برای مسئله سالمندی جمعیت در دو دهه آینده است.

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری - گروه علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران mr.ahadi72@gmail.com

<sup>۲</sup> گروه جامعه‌شناسی سیاسی، استاد دانشگاه شاهد - (نویسنده مسئول)

مسائل عمومی نتیجه واقعیت‌های اجتماعی هستند که معمولاً با استفاده از الگوهای فکری و ساخت‌های ذهنی درک و تبیین می‌شوند. شناخت این الگوها به‌عنوان ابزار سیاست‌گذار و چگونگی کاربرد و ترکیب آن‌ها در حوزه مسائل عمومی از ضرورت‌های اولیه سیاست‌گذاری است چراکه هریک از الگوهای موجود دارای ویژگی‌ها، توان و محدودیت‌های خاص خود بوده و بعضاً فاقد قابلیت و شمولیت کاربردی مناسب برای مسائل عمومی هستند. مسائل عمومی ناشی از وضعیتی است که از یک نیاز جامعه بشری، یک محرومیت یا یک نارضایتی منتج می‌شود و وظیفه سیاست‌گذار است که برای حل این مسائل به دنبال راه‌حل مناسب بگردد. از نظر فنی مسائل عمومی معمولاً با استفاده از الگوهای فکری و ساخت‌های ذهنی درک و تبیین و حل می‌شوند. شناخت این الگوها به‌عنوان ابزار سیاست‌گذاری و چگونگی کاربرد و ترکیب آن‌ها در حوزه مسائل عمومی از ضرورت‌های اولیه سیاست‌گذار است؛ بنابراین هدف این پژوهش دستیابی به شکلی ترکیبی از الگوهای نسبتاً کامل، برای سیاست‌گذاری و حل مسائل عمومی یا همان مسائل کلان اجتماعی است.

## ۲- ادبیات نظری

واژه الگو<sup>۳</sup> معمولاً معادل مدل، انگاره، شکل، نمونه، قالب، طرح و نقش در نظر گرفته شده و برای بیان مفاهیم متنوعی به‌کاررفته است. واژه الگو را انسان‌شناسان، حداقل از سال ۱۸۷۱ به مفهومی چندجانبه استفاده کرده‌اند. بنابراین گاه از الگو، در توجه به کیفیت‌های رفتاری و گاهی در تبیین اصول فرهنگ‌ها استفاده شده است. (گولد و همکاران؛ ۱۳۷۶، ۹۱)

سورین و تانکارد<sup>۴</sup> در تعریفی ساده الگو را به‌عنوان نمایش نظری و ساده‌شده از جهان واقعی تعریف کرده‌اند. از نظر کوهن، الگوها نمونه‌هایی قابل‌قبول از تمرینات علمی هستند، نمونه‌هایی که در خود، قانون، تئوری، کاربرد و ابزار را دارا می‌باشند. آدام اسمیت<sup>۵</sup> عقیده داشت؛ الگو یک سری فرضیات مشترک است. الگو روشی است که با آن دنیا را تعبیر و تشریح می‌کنیم و این مفهوم ما را در پیش‌گویی عملکردها یاری می‌دهد. ویلیام هارمون<sup>۶</sup> معتقد است؛ الگو همان روش ابتدائی درک، تفکر، ارزشیابی و عمل در کنار تصویری از حقیقت (علم) است که به‌عنوان درکی بی‌چون‌وچرا و تلویحی به علم نفوذ کرده و از طریق تجربه مستقیم به‌جای آموزش به نسل‌های بعدی منتقل می‌شود. به‌عبارت‌دیگر الگوها نمونه‌های قابل‌قبول تمرینات عمل می‌باشند،

<sup>3</sup> Pattern

<sup>4</sup> W. Surin And J. Tankard

<sup>5</sup> Smith.A

<sup>6</sup> Harmon. W

نمونه‌هایی که در خود، قانون، تئوری، کاربرد و ابزار را دارا می‌باشند. (سورین و تانکاره؛ ۱۳۸۶، ۶۵) به عقیده گی‌روشه ۷ استفاده از الگو در تمام علوم یک ضرورت غیرقابل اجتناب بوده، زیرا پژوهشگرانی که درباره زندگی جمعی بشر بحث کرده‌اند، همواره به تشابه یا بعضی تصاویر، توسل جسته‌اند؛ تا بتوانند جامعه را معرفی کنند. چراکه واقعیت اجتماعی، غالباً امری پیچیده، چندبعدی و فرار است؛ تا حدی که ذهن بشر، توانایی درک کامل این واقعیت، را ندارد، فلذا برای این‌که بتوان از این واقعیت غامض، سخنی گفت و آن را به اجزا و عناصر تشکیل‌دهنده‌اش تجزیه کرد، از قیاس استفاده می‌شود و این قیاس، بین جامعه پیچیده با اشیاء و موجودات ساده‌تر و شناخته‌شده‌تر صورت می‌گیرد؛ که در اصطلاح به آن الگو گفته می‌شود. (توسلی؛ ۱۴۳، ۱۳۶۹)

کارکرد الگو تلاش برای سهل‌تر کردن و سهل‌تر فهماندن واقعیت از مسیر تنظیم عناصر و ایجاد نظم در آن‌ها است. مثلاً می‌توان شکل منطقی روابطی را که بین برخی عناصر یک سیستم وجود دارد را به صورت یک پیکره درآورد. ترنر<sup>۸</sup> معتقد است استفاده از الگو درک بهتر نظریه را به همراه خواهد آورد؛ اما هنگامی می‌بایست از این قاعده بهره برد که نظریه به اندازه کافی ناگویا باشد و الگو از آن گویاتر باشد. (ترنر؛ ۲۹، ۱۳۷۸)

به عقیده اشتراوس<sup>۹</sup>، الگو، می‌بایست سه خصوصیت عمده را دارا باشد:

۱) می‌بایست ساخت ویژگی‌های نظام را نمایش دهد و از عناصر متعددی حاصل شود که تغییر در آن‌ها، موجب تغییر در دیگر اجزا سیستم شود.

۲) می‌بایست برای هر الگومکان ایجاد سلسله تغییراتی وجود داشته باشد؛ که در نتیجه آن گروهی از الگوها و از همان نوع ایجاد شوند.

۳) الگو می‌بایست به گونه‌ای ساخته شود که همه پدیده‌های قابل مشاهده را فهم‌پذیر سازد. از سوی دیگر تعریف الگوها باید روشن و کامل باشد تا عملیات ریاضی روی آن‌ها امکان‌پذیر شود؛ ساخت الگوها نیز به هیچ وجه نباید پیچیده باشد. بدین ترتیب ویژگی‌های فوق امکان این پیش‌بینی را می‌دهد که بدانیم هرگاه یک یا چند عنصر الگو تغییرات مشخصی کرد، چگونه آن الگو، واکنش نشان می‌دهد. (توسلی؛ ۱۴۲، ۱۳۶۹)

<sup>7</sup> Rocher. G

<sup>8</sup> Turner. Jonathan. H

<sup>9</sup> Strauss. Claude Levi

لگوها دارای انواعی هستند که در طی زمان و با توجه به رشد علوم، دچار دگرگونی شده و ماهیت و کاربرد آن‌ها تغییر کرده است. الگوهای ابتدایی، تصاویری کلی و غیر ظریف را نشان می‌دادند که به صورت و فهم عامیانه نزدیک‌تر بوده است. الگوهای پیشرفته‌تر، منطقی‌تر بودند. چنان‌که در غالب رشته‌ها، الگوها، از الگوهای مبتنی بر فهم عامه به الگوهای نظری و تجریدی، تغییر کرده‌اند. در علوم اجتماعی گرچه تغییر عمیقی صورت نگرفته، اما تا حدودی، همان شکل تحول را می‌توان دید که تحولی تدریجی از الگوهای مادی به الگوهای صوری است.

تفاوت الگو با نظریه و مدل؛ برخی صاحب‌نظران گاهی اختلاف بین این سه مفهوم را نادیده می‌گیرند و غالباً، آن‌ها را همراه هم به کار می‌برند یا به جای هم استفاده می‌کنند. درحالی‌که این دو اصطلاح اختلافاتی باهم دارند. در واقع نظریه<sup>۱۰</sup>، بدون ارجاع به الگو، به صورت مستقیم، امور اجتماعی را تبیین می‌کند. در صورتی‌که الگو از راه ایجاد تشابه، به شناخت واقعیت یاری می‌رساند و با برجسته‌سازی عنصر مشابهت، درک واضح‌تری از شباهت بین واقعیت و مدل ذهنی را فراهم می‌نماید. البته باید در نظر گرفت که بر اساس تعریف الگوی یک شی، عین آن شی نیست؛ بلکه شبیه آن شی است. مثلاً مدل یک کارگاه، شکل کوچک و فرضی از آن کارگاه ارائه می‌دهد. در علوم اجتماعی نیز الگوها را طبق واقعیت می‌سازند، سپس روی میزان انطباق آن با واقعیت بحث می‌نمایند؛ مثلاً «انسان اقتصادی»، الگوی فردی است که با مسائل اقتصادی منطقی برخورد می‌کند؛ برای چنین الگویی مفروضاتی در نظر می‌گیرند؛ لیکن ممکن است همه آن مفروضات، با واقعیت مطابقت نکند. پس در مورد ارتباط الگو با واقعیت، باید به وجه مشابهت کلی آن‌ها نگریست و از توجه به جزئیات صرف نظر کرد. (همان، ۳۰-۳۱) در مورد رابطه الگو و مدل ۱۱ باید یادآوری نمود که اصطلاح انگلیسی **Pattern** توسط جامعه‌شناسان فرانسوی به صورت **Model** استفاده می‌شود. (روشه؛ ۴۴، ۱۳۷۹) و در بسیاری اوقات و بر اساس نظر اکثر جامعه‌شناسان، این دو اصطلاح در یک معنا کاربرد دارند؛ اما بعضی گفته‌اند که اصطلاح مدل اندکی پیچیده‌تر از اصطلاح الگو است. (مندارس؛ ۲۱۰، ۱۳۴۹)

تعریف مختار این پژوهش همان تعریف سورین و تانکارد، یعنی «نمونه‌های قابل قبول تمرینات عمل می‌باشند، نمونه‌هایی که در خود، قانون، تئوری، کاربرد و ابزار را دارا می‌باشند». محقق برای رسیدن به الگوی مطلوب موردنظر خود، ناگزیر از طرح بعضی مدل‌های سیاست‌گذاری نیز بوده است. در واقع از نظر فرایندی در این پژوهش سعی شده تا از تحلیل روندها به مدل و الگو رسید.

<sup>10</sup> Theory

<sup>11</sup> Model

یکی از نمونه‌های استفاده از این متد علمی مقاله «تعامل نخبگان و سیاست‌های دولتی؛ آسیب‌شناسی اقتدار دولت در ایران از منظر سیاست‌گذاری عمومی» ۱۲ به قلم کیومرث اشتریان است.

درباره سیاست‌گذاری عمومی باید بیان شود که تا پیش از علم سیاست‌گذاری عمومی، مطالعات سیاسی به تمرکز بر زمینه‌های هنجاری و اخلاقی دولت و نهادهای سیاسی محدود شده بود. گرچه پیدایش این علم ریشه در آثار لاسول و همکارانش در اوایل دهه پنجاه میلادی دارد، اما نهادینه شدن و گسترش این رشته در اواسط دهه شصت آغاز شد. از لحاظ تعاریف، سیاست‌گذاری عمومی از تعریف سیاست به عنوان علم قدرت یا دولت، به تعریف سیاست به عنوان علم یا هنر اداره جامعه عدول می‌کند. لاسول سه ویژگی را برای این رشته بر شمرده است: چند رشته‌ای بودن، به دنبال حل مشکل بودن و قویاً هنجاری بودن. (اشتریان، ۱۳۸۶؛ ۱۶) لازم به تذکر است که عنوان سیاست‌گذاری اصطلاحی عام و علاوه بر دولت و بخش عمومی در خصوص سازمان‌ها، نهادهای بخش خصوصی و حتی اشخاص حقیقی نیز استفاده می‌شود. مایکل کرافت معتقد است: «سیاست عمومی اصولاً مجموعه‌ای از اقدامات دولت است در پاسخ به مسائل اجتماعی. مسائل اجتماعی وضعیت‌هایی است که برای عموم پذیرفتنی نیستند و به شکل وسیعی درک می‌شوند و نیاز به مداخله برای حل آن‌ها وجود دارد». از این منظر، انواع سیاست‌های عمومی عبارت‌اند از: سیاست‌های تقنینی، اجرایی و قضایی. (قلی پور و غلام پور، ۱۳۹۳؛ ۱۱-۲۰) صاحب‌نظران، علم سیاست‌گذاری را، رشته علمی جدیدی می‌دانند که در پی تلاش اندیشمندان علوم سیاسی به منظور کسب شناخت نوینی از روابط بین دولت‌ها و شهروندان شکل گرفته است. سیاست‌گذاری علم دولت در عمل و شاخه‌ای از علم نوین سیاست است که با توجه به عرصه عمومی آن و به‌ویژه «چندوجهی» بودن مسائلی که سیاست‌ها برای حل آن‌ها، تدوین می‌شوند، از علومی همچون حقوق، اقتصاد، جامعه‌شناسی یا روانشناسی به‌تناوب و تناسب بهره می‌برد. (همان؛ ۱۳) سیاست‌گذاری عمومی مطالعه دولت در عمل است. هنگام ورود به حوزه سیاست‌گذاری عمومی، پژوهشگر این سؤال که «چه کسی حکومت می‌کند و چگونه؟» را رها می‌کند تا به این پرسش که «چگونه و به‌وسیله چه کسی یک خط‌مشی یا سیاست عمومی تهیه و اجرا می‌گردد؟» پاسخ دهد. موضوع مطالعات و تحلیل سیاست‌گذاری عمومی، دولت است. (وحید، ۱۳۸۸؛ ۷-۱۸) سیاست‌گذاری عمومی، نقش اصلی دولت در جهان جدید به حساب می‌آید. سیاست‌های عمومی، جهت‌گیری‌های کلی هستند که چگونگی عمل سازمان‌ها و مؤسسات دولتی را در آینده

مشخص می‌کنند و معمولاً برای مقابله با مشکل و مسئله عمومی و به‌منظور حل آن پدید می‌آیند. امر عمومی در این چارچوب، شامل آن بعد از فعالیت‌های انسانی می‌شود که نیازمند تنظیم یا دخالت از سوی جامعه و دولت بوده و عملی مشترک به حساب می‌آید. (کاوایانی راد، ۱۳۹۲: ۶۵-۶۶) پژوهشگران فقدان سیاست‌های عمومی و باثبات را نشانه ضعف اقتدار دولت و طلیعه بحران مشروعیت می‌داند. (اشتریان، ۱۳۸۶: ۸۵) سعادت جدی‌ترین کار ویژه سیاست‌گذاری عمومی است. (شافریتز و بریک، ۱۳۹۰: ۳۰۱) هر جنبه‌ای از زندگی انسان که به‌نوعی به تصمیمات دولت یا نهادهای عمومی غیردولتی وابسته می‌شود، به حوزه‌ای از سیاست‌گذاری عمومی تبدیل می‌شود. از این حوزه‌ها می‌توان به‌عنوان پنج حوزه کلان سیاست‌گذاری یادکرد: سیاست‌گذاری آموزشی، سیاست‌گذاری سلامت، سیاست‌گذاری جنایی، سیاست‌گذاری‌های زیست‌محیطی، سیاست‌گذاری‌های رفاهی. (ملک محمدی، ۱۳۹۴: ۱۲-۱۸) سیاست‌گذاری عمومی بخشی از جنبش عقلایی کردن زندگی اجتماعی، ابزار تسلط بشر بر پیچیدگی جهان و محصول تعامل دیوانسالاری نخبگان، گروه‌ها و صنوف اجتماعی-اقتصادی است. کارکرد اصلی سیاست‌گذاری عمومی ساماندهی روابط بخش‌های مختلف اقتصادی-اجتماعی با مرجعیت کلان قدرت سیاسی است. (اشتریان، ۱۳۸۶: ۷۵) سیاست‌گذاری عمومی ابزار دولت مدرن است که به‌وسیله آن نخبگان دیوانی و مدیران امور عمومی را به گسستن از سنت‌ها، تخصص‌های فردی و سلیقه‌های شخصی مجبور نموده و آن‌ها را به مرجعیتی کلان پیوند می‌زند. این مرجعیت کلان ملغمه‌ای از هنجار، روش و هدف است و فراتر از یک مسئله ارتباط عمومی اداری است. (همان، ۸۱) سیاست‌گذاری عمومی عکس‌العملی است به تقاضاهای روزافزون جامعه و نهادهای عمومی از سوی سیاست دانان برای حل مشکلات و بحران‌های سیاسی، اجتماعی و اداری. سیاست‌گذاری عمومی مواردی بیش از اظهار سیاست‌های رسمی مثل آیین‌نامه، قوانین اداری و آرای حقوقی است. (شافریتز و بریک، ۱۳۹۰: ۴۱-۴۲) همچنین از تعاریف دیگری چون: عمل یا عدم عمل یک دولت، سیاستی که از طرف عمومی به‌وسیله حقوق عمومی به وجود آمده است تا به دست اداره امور عمومی، به اجرا درآید. (همان، ۴۳)، مجموعه اقدامات هدفمند که به‌وسیله یک بازیگر یا مجموعه‌ای از بازیگران در مواجهه با یک مشکل یا موضوع خاص دنبال می‌شود. (اشتریان، ۱۳۸۶: ۱۱-۲۷) و سیاست‌هایی است که از سوی دولت یا نهادهای عمومی وضع می‌شود و تمام یا بخش زیادی را در معرض خود قرار می‌دهد. (ملک محمدی، ۱۳۹۴: ۱۲-۱۸) و مجموعه‌ای از اقدامات و روش‌های هدف‌دار که راهنمای تصمیم‌گیرندگان در یک جامعه و برای فائق آمدن بر مسئله (مشکل) عمومی صورت می‌گیرد. (اشتریان، ۱۳۸۶: ۷۷) نیز برای بیان مفهوم سیاست‌گذاری عمومی

استفاده شده است. مطالعات سیاست‌گذاری به‌عنوان یک برنامه روی دو مقوله تأکید دارد: مقوله هنجاری و مقوله تحلیلی (شافریتز و بریک، ۱۳۹۰؛ ۱۰۱). واژگان؛ عمومی (مردم به شکل عام یا تمامی شهروندان یک قلمرو سیاسی مانند یک شهر یا یک کشور)، حقوق عمومی (جمع‌آوری و تدوین یا فهرست بندی تمامی تصمیمات پایای سیاست‌گذاری عمومی از سوی دولت یا شهرداری اتخاذ شده است)، اداره امور عمومی (آنچه دولت‌ها انجام می‌دهند)، اجرای حقوق عمومی (هر نوع کاربست یک قانون عمومی، ضرورتاً عملی اداری محسوب می‌شود) و سیاست‌گذاری عمومی کلید واژگان علم سیاست‌گذاری عمومی را تشکیل می‌دهند.

اما مسئله و مسئله عمومی چیست؟ برای مسئله یا مشکل تعاریف متعدد و متنوعی بیان شده است. از نظر کپنر: «یک مسئله عبارت است از تفاوت میان آنچه باید اتفاق می‌افتاد و آنچه اتفاق افتاده، به‌گونه‌ای که نیاز به اصلاح احساس گردد». جونز نیز عقیده دارد:

«مسئله یک نارضایتی یا نیاز فردی یا گروهی است که افراد جامعه آن را درک می‌کنند و برای راه‌حل آن چاره‌ای می‌جویند». (قلی پور و غلام پور، ۱۳۹۳؛ ۳۰) مسئله یا دستور کار سیاست‌گذاری «شامل مجموعه‌ای از مشکلات است که در خصوص آن‌ها بحث و

مناظره و حتی مداخله صاحبان قدرت مشروع و سیاسی لازم می‌نماید». (ملک محمدی، ۱۳۹۴؛ ۴۰) همچنین یک مسئله وضعیتی است از یک نیاز بشری، یک محرومیت یا یک نارضایتی که به‌وسیله خود شخص یا به‌وسیله دیگران قابل تشخیص باشد و برای

حل این مشکلات به دنبال یک راه‌حل بگردند. (اشتریان، ۱۳۸۶؛ ۲۹) مسائل عمومی آن بخش از مسائل اجتماعی هستند که درک و تحلیل و حل آن‌ها از توان اشخاص فراتر است و نمی‌توان به‌آسانی تصمیم‌گیری درباره آن‌ها را به اشخاص واگذار کرد. این

دشواری احتمالاً به دلیل آن است که حل این مسائل نیاز به بسیج عمومی و سازمان‌دهی حوزه‌های داوطلبانه یا تنظیم رفتار بخش‌های مختلف جامعه دارد. (پدرام و جلالیوند، ۱۳۹۲؛ ۲۶) سیاست‌گذاری فقط حل مسائل نیست، بلکه در گام نخست، شناخت

و تعریف مسائل است. مسائل عمومی آن بیرون، منتظر نیستند که کسی سراغشان برود. (رز، ۱۳۹۴؛ ۶۱) بلکه معمولاً به‌صورت غیرمترقبه بروز می‌نمایند و روند جامعه در عصر کنونی نیز، نشانگر آن است که تمامی برنامه‌های اجتماعی نسبت به متوقف شدن

در برخورد با رخداد‌های غیرمترقبه، آسیب‌پذیرند. لیندبلوم معتقد است: «سیاست‌گذاران با یک مسئله ارائه شده روبرو نیستند بلکه آن‌ها باید آن مسئله را شناسایی و فرموله کنند». مدیریت مسائل عمومی به ما اجازه می‌دهد تا قبل از آن‌که آن مسائل بحرانی شوند

و فرصت‌ها از بین برود برخورد مناسبی با آن‌ها داشته باشیم. (قلی پور و غلام پور، ۱۳۹۳؛ ۳۶-۳۸) طرح مسائل عمومی معمولاً بر اساس چهار مرحله وارد صحنه اجتماعی می‌شوند: ادراک، تعریف، تجمع، نمایندگی (از طریق نخبگان و گرداندگان حرکات

اجتماعی) و (وحید، ۱۳۸۸: ۲۶-۲۸) نیز معمولاً ارتباط و وابستگی متقابل، ساختگی بودن (ساخت اجتماعی دارند) و تغییرپذیری و پایدار بودن از ویژگی‌های مشکلات و مسائل عمومی‌اند. (همان: ۷۵-۷۹) در علم سیاست‌گذاری عمومی، دو مرحله اساسی را برای برخورد با مسائل اجتماعی می‌توان برشمرد: مرحله مشکل‌یابی و مرحله حل مشکل. (همان: ۷۴) اما ماژرزاک با اتکا بر نظرات اتریونی معتقد است که پژوهشگر می‌تواند مسئله اجتماعی را به چهار بخش تقسیم و در دستور کار قرار دهد: از نظر فنی، از نظر ساختار سازمانی، از نظر اجماع جامعه و از منظر قدرت. (ماژرزاک، ۱۳۹۲: ۶۷)

### ۳- چارچوب روش

این پژوهش یک مطالعه مروری است که در آن ابتدا تقسیم‌بندی‌های مختلف الگوهای سیاست‌گذاری عمومی ارائه شده سپس با استفاده از منابع در دسترس، توصیف و تبیین و چگونگی ساخت الگوهای ترکیبی سیاست‌گذاری برای دستیابی به راه‌حل مسائل عمومی تبیین شده است. برای استخراج یافته کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌های دانشجویی و پایگاه‌های داده‌های داخلی و خارجی و داده‌های برخی دانشگاه‌ها مورد جستجو قرار گرفت. با بررسی عنوان و چکیده مقالات و پژوهش‌ها نسبت به دریافت و مطالعه و فیش‌برداری از کل متون اقدام گردید.

### ۴- یافته‌ها و ارائه دلالت‌های نظری

برخی از پژوهشگران معاصر علوم سیاسی ظهور رشته نسبتاً نوین سیاست‌گذاری عمومی را حاصل تأثیرگذاری علوم دقیقه، تاریخ، اقتصاد و فناوری بر علوم اجتماعی در اواخر قرن بیستم دانسته‌اند و در این نگرش در حقیقت این رشته صورت مدرن علوم سیاسی سنتی است. گروهی دیگر سیاست‌گذاری عمومی را به‌عنوان مطالعه دولت در عمل تعریف نموده‌اند. دولتی که از تحولات قرن بیستم به‌صورت عمیق و در تمام جوانب متأثر شده در تمامی عرصه‌های مهم زندگی اجتماعی شهروندان از جمله: فرهنگ، آموزش، بهداشت و تندرستی، اسکان، اشتغال و... حاضر شده و عمیقاً نقش‌آفرینی می‌کند. از این منظر «دولت‌های مدرن نه‌تنها پاسدار حقوق مدنی و حقوق سیاسی بلکه موظف به پاسداشت حقوق اجتماعی نیز شناخته می‌شوند. چنین حضوری در عرصه عمومی، بیش از نیمی از درآمدهای تولید ناخالص ملی کشورها را به خود اختصاص می‌داد» (وحید ۱۳۸۸: ۷-۸) این نوع از دولت برای حفظ مشروعیت خود ناگزیر از قرار گرفتن در بوته محک، نظارت و ارزیابی کارآمدی خود بود و سیاست‌گذاری عمومی با این هدف و به این منظور ایجاد شد و توسعه یافت. این رشته از علوم اجتماعی دارای فرایندها، رویکردها و الگوهای



متنوع و مختلفی است که در زیر به صورت دسته‌بندی سه‌گانه بالا، به تعدادی از مهم‌ترین آن‌ها پرداخته خواهد شد. هدف از این بحث دستیابی به یک تعریف کاربردی یا یک فرایند حداقلی مشترک از چرخه سیاست‌گذاری عمومی، تجزیه و تحلیل الگوهای موجود (در دسترس پژوهشگر) و تطبیق آن‌ها با فرایند مشترک است.

#### ۴-۱- چستی فرایند سیاست‌گذاری عمومی:

درباره مراحل فرایند سیاست‌گذاری عمومی مباحث گسترده‌ای مطرح شده است. این در حالی است که به اعتقاد قلی پور، هنوز نظریه‌ای پیش‌گویانه از سیاست‌گذاری یا حتی بیان ویژه‌ای وجود ندارد که بیان نماید چگونه سیاست در جهان واقعی تدوین می‌شود. (قلی پور و غلام پور، ۱۳۹۳: ۴۸) در حقیقت این فرایند یک طرح ذهنی است. اسمیت، فرایند سیاست‌گذاری عمومی را به صورت مجموعه‌ای از آثار و عواملی مانند اعتقادات و ارزش‌های جامعه، دانش و فن، فشار و قدرت، حمایت و نبود حمایت و قوانین و مقررات تصویر کرده است. در نگاهی کلی می‌توان عوامل تأثیرگذار در فرایند سیاست‌گذاری را به سه بخش عمده،

جامعه مدنی، دولت و بخش خصوصی تقسیم‌بندی کرد. در ادبیات سیاست‌گذاری، به این فرایند، سیاست‌گذاری خطی، عقل سلیم یا عقلانی هم گفته می‌شود. این مدل به فرایند سیاست‌گذاری دید گسترده‌ای دارد و به عنوان یک فرایند راه‌حل مسئله منطقی و عقلانی و تحلیلی معرفی می‌شود. در این مدل همان‌گونه که ذکر شد تصمیمات در مجموعه‌ای از فازهای پی‌درپی گرفته شده که عبارت‌اند: از مرحله دستور‌گذاری، مرحله تصمیم‌گیری و مرحله اجرا. (همان؛ ۷۵-۷۷)

از دیدگاه لاسول هفت مرحله برای فرایند سیاست‌گذاری عمومی وضع شده است که عبارت هستند از: تعیین مسئله، وضع سیاست عمومی، اتخاذ تصمیم، اجرای سیاست، تحلیل و ارزیابی سیاست عمومی. (همان، ۴۸) وحید فرایند سیاست‌گذاری عمومی را بر اساس مدل جونز و به صورت ایدئال تیپیک در قالب عملکرد دولت و تصمیم‌گیران به پنج مرحله به هم وابسته تقسیم می‌کند: شناخت مشکل و قرار گرفتن مشکل در دستور کار حکومت، ارائه راه‌حل، تصمیم‌گیری، اجرا، ارزیابی سیاست عمومی دیده است. (وحید، ۱۳۸۸؛ ۲۶-۴۸).

ملک محمدی چرخه فرایند سیاست‌گذاری را به عنوان یک مدل و یک چرخه سیاست‌شناخته و اعتقاد دارد این مدل دارای شش مرحله به شرح زیر است: تهیه دستور کار، تدوین سیاست، اجرای سیاست، ارزیابی سیاست، تغییر سیاست، پایان سیاست. (ملک

محمدی، ۱۳۹۴؛ ۳۵-۳۷)

بریجن ۱۳ و دیویس ۱۴ این فرایند را در ۸ مرحله تشریح کرده‌اند: تبیین مسئله، تحلیل سیاست عمومی، تدوین سند حاوی سیاست عمومی، مشاوره و مشورت در تمام مراحل، هماهنگی و اتخاذ تصمیم، به اجرا گذاشتن سیاست عمومی، تحلیل و ارزیابی. هاولت و رامش در سال ۲۰۰۳ این فرایند را در پنج مرحله توضیح دادند: دستور گذاری، شکل‌گیری و تهیه و تدوین، تصمیم‌گیری، اجرا، ارزیابی. فرایند ارائه‌شده از سوی کرافت و اسکات ۱۵، شامل تعریف مشکل، دستور گذاری، تهیه و تنظیم سیاست، مشروعیت بخشی، اجرا، ارزیابی و تغییر است. این فرآیند عبارت است از: مرحله اول: تعریف مشکل: جان کینگدان ۱۶ می‌گوید: تعریف مشکل و تلاش برای تعریف آن، پیامدهای مهمی را به دنبال دارد. مقایسه کردن نیز بخشی از تعریف مشکل است. مرحله دوم دستور گذاری: تعریف مشکل به‌تنهایی کافی نیست تا اقداماتی درباره آن، انجام شود بلکه مردم و سیاست‌گذاران باید آن را شناسایی کنند و به‌اندازه کافی شایع باشد تا در دستور کار قرار گیرد. مرحله سوم: شکل‌گیری، تهیه و تدوین. مرحله چهارم: مشروعیت سیاست: به‌طورکلی مشروعیت را همسویی و سازگاری با اصول و ضوابط قابل‌قبول تعریف کرده‌اند که فرایند اصلی آن تحقق اکثریت آراست. سیاستی مشروعیت دارد که: با قانون اساسی یا قانون موجود سازگار باشد، با فرهنگ سیاسی موجود سازگاری داشته باشد. از حمایت مردمی برخوردار باشد. از مقبولیت بازیگران سیاست برخوردار باشد. مرحله پنجم: اجرا: در یک اجرای موفق سه مورد از این فعالیت‌ها به‌طور ویژه مهم‌اند که عبارت است از: سازمان، تفسیر و تخصیص. سازمان به تأمین منابع، دفاتر و شیوه‌ها و مدیریت برنامه‌ها اشاره دارد. تفسیر به معنای ترجمه زبان برنامه‌ها است. ششم: ارزیابی سیاست. اسمیت ۱۷ در مقاله خود با عنوان «سیاست عمومی و مشارکت عمومی» در سال ۲۰۰۳ فرایند سیاست‌گذاری عمومی را در شش مرحله تعریف کرد: تعریف مسئله، روشنی بخشی و توضیح اهداف و ارزش‌ها، بدیل یابی، انتخاب، اجرا، ارزیابی. (قلی پور و غلام پور، ۱۳۹۳: ۴۷-۴۸)

همچنین قلی پور و فقیهی در کتاب سیاست‌گذاری و تحلیل سیاست‌های عمومی مراحل فرایند سیاست‌گذاری را هفت مرحله و به این شرح نگاشته‌اند: تنظیم دستور کار، تدوین سیاست عمومی، پذیرش سیاست عمومی، ارزیابی سیاست عمومی، تغییر سیاست عمومی، انقضای سیاست عمومی. (قلی پور و فقیهی، ۱۳۹۳: ۱۲۴)

- 
- 13 Bridgman.P
  - 14 Davis.G
  - 15 Scott.F
  - 16 Kingdon.J
  - 17 smith

اشتریان مراحل بالا را در ۵ مرحله: شکل‌گیری مسئله، دستور کار سیاسی، صورت‌بندی و اتخاذ سیاست‌ها، اجرای سیاست، ارزیابی سیاست خلاصه و تشریح نموده است. (اشتریان، ۱۳۸۶: ۲۹-۳۵)

هاگوود و گان ۱۸ مراحل فرایند سیاست‌گذاری را به‌صورتی جامع در ده مرحله برشمردند: جستجوی موضوع، پالایش موضوع، تعریف موضوع، پیش‌بینی، تعیین اهداف و اولویت‌ها، تحلیل گزینه‌ها، اجرای سیاست، پایش و کنترل، بررسی و ارزیابی و درنهایت حفظ و ادامه سیاست یا پایان دادن به آن. (دشمنگیر و رواقی، ۱۳۹۳: ۷۸)

در جدول صفحه بعد عناوین چرخه فرایند سیاست‌گذاری عمومی از منظر صاحب‌نظران بالا، به شکل مختصر و در یک نگاه آورده شده است:

جدول ۴-۱- چرخه فرایند سیاست‌گذاری

منبع	تعداد	عناوین مراحل
لاسول	۷	تعیین مسئله- وضع سیاست عمومی- انتخاب تصمیم- اجرای سیاست عمومی- تحلیل و ارزیابی سیاست عمومی
جونز	۵	طرح مسئله- راه‌حل‌گزینی- تصمیم‌گیری- اجرای سیاست- ارزیابی سیاست
بریجمن و دیویس	۸	تبیین مسئله- تحلیل سیاست عمومی- تدوین سیاست عمومی- مشاوره و مشورت- هماهنگی- اتخاذ تصمیم- اجرای سیاست عمومی- تحلیل و ارزیابی
هاولت و رامش	۵	دستور‌گذاری- شکل‌گیری تهیه و تدوین- تصمیم‌گیری- اجرا- ارزیابی
کرافت و اسکات	۷	تعریف مسئله- دستور‌گذاری- تهیه و تنظیم سیاست- مشروعیت بخشی- اجرا- ارزیابی- تغییر
اسمیت	۶	تعریف مسئله- توضیح اهداف و ارزش‌ها- بدیل‌یابی- انتخاب- اجرا- ارزیابی
قلی پور	۷	تنظیم دستور کار- تدوین سیاست عمومی- پذیرش سیاست عمومی- اجرا- ارزیابی- تغییر- انقضای سیاست عمومی
ملک محمدی	۶	تهیه دستور کار- تدوین سیاست- اجرا- ارزیابی- تغییر سیاست- پایان سیاست

اشتریان	۵	شکل‌گیری مسئله- دستور کار سیاستی- صورت‌بندی و اتخاذ سیاست- اجرای سیاست- ارزیابی سیاست
هاگوود و گان	۱۰	جستجوی موضوع- پالایش موضوع- تعریف موضوع- پیش‌بینی- تعیین اهداف و اولویت‌ها تحلیل گزینه‌ها- اجرا- پایش و کنترل- بررسی و ارزیابی- حفظ و ادامه یا پایان سیاست
موارد مشترک	۴	طرح مسئله- تصمیم‌گیری و تدوین سیاست- اجرای سیاست- ارزیابی سیاست

#### ۲-۴- رویکردهای سیاست‌گذاری عمومی:

چرخه سیاست‌گذاری عمومی به‌عنوان یک فرآیند سیاسی ۱۹ خود یک رهیافت است که از آن به‌عنوان «رهیافت فرآیند خط و مشی‌گذاری سیاسی» نیز نام برده‌اند. کاظمی این فرآیند را به‌عنوان «هر نوع طرح و برنامه و راهکار اتخاذ شده به‌وسیله یک حکومت، حزب سیاسی، سازمان تجاری یا تولیدی و از این قبیل که به نحوی در تصمیم‌سازی و اجرای سیاست یا خط‌مشی تأثیر دارد» شناخته است. (کاظمی، ۱۳۷۹: ۱۶) اما این فرآیند بر اساس گرایش ذهنی و عملی طراحان و مجریان دارای رویکردهای فرعی متفاوتی است. در زیر به برخی از معروف‌ترین این رویکردها پرداخته شده است:

پارسونز ۲۰ در کتاب مبانی سیاست‌گذاری عمومی و تحلیل سیاست‌ها شش رویکرد: مرحله‌ای، کثرت‌گرا/نخبه‌گرا، نئومارکسیستی، زیرسیستمی، گفتمان سیاست‌گذاری، نهادگرایی را به‌عنوان رهیافت‌های اصلی سیاست‌گذاری معرفی نموده و در ادامه از: سیاست‌گذاری عمومی تطبیقی، اجتماعی/اقتصادی، دولت‌حزبی، کشمکش طبقاتی، نو‌صنفاً به‌عنوان دیگر رویکردهای این علم یاد کرده است. (پارسونز، ۱۳۹۲: ۷۰-۷۱)

رویکردهای مرحله‌ای، سیاست‌گذاری عمومی را به‌مثابه مجموعه‌ای از گام‌ها یا مرحله‌ها در نظر می‌گیرد و با «تقویم سیاست‌گذاری» شروع و با «ارزیابی» و «خاتمه سیاست‌ها» اتمام می‌یابد. این رویکرد عموماً در آثار لاسول، واتسین و آلموند دیده می‌شود. رویکردهای کثرت‌گرا/نخبه‌گرا بر قدرت و توزیع آن در میان گروه‌ها و نخبگان و چگونگی شکل دادن به سیاست‌گذاری تأکید می‌نماید و در آثار کاب و آلدِر، کرسن و ... قابل مشاهده‌اند. رویکردهای نئومارکسیستی عموماً کاربست اندیشه‌های مارکس و مارکسیستی برای تشریح سیاست‌گذاری عمومی در جامعه سرمایه‌داری هستند و در آثار میلیبند، اوکاتر، پولانزاس

قابل مشاهده‌اند. رویکردهای زیرسیستمی با بهره‌گیری از مفاهیم «شبکه‌ها»، «اجتماعات»، «زیرسیستم‌ها» فرایند سیاست‌گذاری عمومی را تحلیل می‌کنند. این نوع نگرش در آثار هلکو، ریچاردسن و جردن قابل مشاهده‌اند. رویکردهای گفتگوی سیاست‌گذاری، فرآیند سیاست‌گذاری را در قالب‌های زبانی و ارتباطی تحلیل می‌کنند و بر اساس کارهای فوکو، هابرماس، تولیمن و ویتگنشتاین بنا شده‌اند. رویکردهای نهادگرایی، بر عنصر «نهاد» تأکید دارند و در آثار آلموند، اسکاچ پل، ویور و راکمن قابل مشاهده‌اند. دیگر رویکردهای سیاست‌گذاری عمومی که پارسونز آن‌ها را در قالب سیاست‌گذاری عمومی تطبیقی دیده است و عموماً به روشی از مطالعه گفته می‌شود که «به دنبال این پرسش‌ها است که چه چیز، چگونه و چرا بر دولت‌های گوناگون تأثیر می‌گذارد و آن‌ها را وادار می‌کند تا به کارهای مشخصی دست بزنند یا نزنند» عبارت‌اند از: رویکردهای اجتماعی / اقتصادی که به این مسئله می‌پردازند که چگونه سیاست‌گذاری عمومی، خروجی عوامل اقتصادی و اجتماعی دارد. رویکردهای دولت حزبی که به تشریح سیاست‌گذاری عمومی در قالب اشکال سیاسی کشمکش طبقاتی در کشورهای سرمایه‌داری، رویکرد نو صنفی که به مطالعه تأثیر منافع سازمان‌یافته در تعیین سیاست‌گذاری عمومی. همچنین پارسونز از هشت گروه از فلاسفه یا نظریه‌پردازان علوم اجتماعی که کارهایشان تأثیر قابل توجهی بر سیاست‌گذاری عمومی داشته است به نام های ماکیاولی و بیکن، بتام و میل، جیمز و دیویی، راولز و نوزیک، پوپر، هایک، اتزیونی، هابرماس اشاره می‌کند که بر این اساس شاید بتوان یک دسته‌بندی دیگر از رویکردهای سیاست‌گذاری عمومی (به ترتیب) به‌عنوان رویکردهای هدف‌گرا، سود‌گرا، عمل‌گرا و توسعه‌گرا، عدالت‌خواه مهندسی تدریجی، بازار گرا و فردگرا، اجماع‌گرا، عقلانیت‌گرا صورت‌بندی کرد.

مارا و سیدنی در کتاب راهنمای سیاست‌گذاری عمومی، رویکردهای کلی این علم را در دودسته‌ی: الف) رویکردهای معطوف به صورت‌بندی سیاسی و ب) رویکردهای معطوف به ابزار سیاستی دسته‌بندی و معرفی کرده است. در یک مدل مرحله‌ای سنتی از سیاست‌گذاری عمومی، صورت‌بندی سیاستی بخشی از مرحله پیش از تصمیم‌گیری به شمار می‌رود و به‌منظور اتخاذ تصمیم‌گیری در مورد سیاست نهایی، شناسایی یا ایجاد مجموعه‌ای از گزینه‌های سیاستی برای مواجهه با مشکل و محدود ساختن راه‌حل‌ها اتخاذ می‌شود. مثلاً کوچران و مالون، در صورت‌بندی سیاستی به «چیستی» سؤالات حول پنج موضوع توجه کرده‌اند: ۱- طرح مقابله با مسئله یا مشکل ۲- اهداف و اولویت‌ها ۳- گزینه‌های دستیابی به اهداف ۴- هزینه‌ها و مزایای هریک از گزینه‌ها ۵- اثرات جانبی مثبت یا منفی هریک از گزینه‌ها. در این رویکرد فرض بر این است که مشارکت‌کنندگان در فرآیند سیاستی یک

مسئله را تعریف و مشخص ساخته و از دستور کار کنار می‌گذارند. تفاوت صورت‌بندی سیاستی با دستور کار در این است که در صورت‌بندی سیاسی نسبت به فرآیند دستور کار مشارکت‌کنندگان محدودتری درگیر و در واقع نوعی کارکرد مخفی مشاهده می‌شود. به گفته دای صورت‌بندی سیاسی در بروکراسی دولتی، دفاتر گروه‌های ذینفع، اتاق‌های فکر و... انجام می‌شود و اغلب قلمرو نظرات کارشناسان، فن‌سالاران و نخبگان است. رویکردهای معطوف به ابزار سیاستی به صورت کلی، انواع ابزارهای احتمالی مورد استفاده در طراحی سیاستی را دسته‌بندی می‌کنند. مثلاً برداش به: مالیات، مقررات، امتیازات، بودجه و... می‌پردازد. نظریه‌های اخیر در این حوزه به دودسته ابزارها توجه می‌نمایند: ابزارهای مستقیم و ابزارهای غیرمستقیم.

کرافت و نورلانگ نیز در کتاب سیاست‌گذاری عمومی، قوانین دولتی، سیاست‌ها، تحلیل و جایگزینی، از سه رویکرد علمی، حرفه‌ای، سیاسی برای سیاست‌گذاری یاد کرده‌اند. در رویکرد علمی پژوهشگران به دنبال «حقیقت» هستند بدون در نظر گرفتن این‌که آیا این اطلاعات بلافاصله استفاده می‌شود یا نه. در رویکرد بعدی سیاست‌گذاران به دلایل حرفه‌ای به بررسی مسئله می‌پردازند. در رویکردهای سیاسی بر اساس ارزش‌ها، به اهداف قانونی خاصی تعهد دارند و بعضاً نسبت به دستورکارهای ایدئولوژیک و گروه‌های طرفدار نیز سوگیری می‌شود. (کرافت و نورلانگ، ۱۳۹۶؛ ۲۱۹-۲۲۰) همچنین در بخش دیگری از این کتاب از رویکرد دیگری به عنوان رویکرد اقتصادی نام برده و توضیح داده‌شده که تحلیل اقتصادی تمام بررسی قوانین دولتی را در برمی‌گیرد و دلیل خوبی هم برای این کار دارد. قوانین دولتی ممکن است گران باشند، آن‌هم به طریقی که بعضاً به چشم مردم یا قانون‌گذاران نمی‌آید.

شافریتز و بریک ۲۱ در کتاب سیاست‌گذاری عمومی در ایالات متحد رویکرد رایج در سیاست‌گذاری عمومی را در هفت رهیافت: اخلاقی، زندگی‌نامه نویسی، مطالعه موردی، حقوق عمومی، سیستمی، گزارش سیاسی، تحقیق رسمی تشریح نموده‌اند. به یقین این نویسندگان، بسیاری از داغ‌ترین و مناقشه‌آمیزترین مسائل سیاست‌گذاری عمومی امروز، از منظر مسائل اخلاقی مورد بحث و تحلیل قرار می‌گیرد. گفتمان عدالت محور یکی از مصادیق بارز رویکرد اخلاقی در سیاست‌گذاری عمومی است. در رویکرد زندگی‌نامه نگاری، زندگی یک فرد را که معمولاً رئیس دولت، قانون‌گذار یا فرد بانفوذ اداری است را دستمایه تحلیل سیاست‌گذاری و این مسئله قرار می‌دهند که چگونه و چرا سیاست‌های خاص دیده به جهان می‌گشاید. رویکرد مطالعه موردی،

تحلیلی عمیق از یک موضوع واحد است. در این رویکرد با تاریخی روبه‌رو هستیم که شناختی از فرآیندهای پویا، همواره در حرکت و متغیر در طول زمان را ارائه می‌نماید. رویکرد حقوق عمومی، رویکردی است که در آن از زاویه قانون‌گذاری و قانون‌گذاران به تحلیل سیاست‌گذاری پرداخته می‌شود. رویکرد سیستمی، چارچوب تحلیلی است که در آن موقعیت‌ها را از منظر سیستم‌ها مورد توجه قرار می‌دهند. رویکرد گزارش سیاسی، بحثی رسمی است که در له یا علیه سیاست عمومی خاص به راه می‌افتد. رویکرد تحقیق رسمی، محصول یک تلاش رسمی برای آزمون سودمندی یک سیاست ویژه است. این رویکرد بیشتر مورد توجه و کاربرد افراد و مؤسسات دانشگاهی است و ویژگی اصلی آن این است که پایبندی شدیدی به روش‌شناسایی دقیق علمی دارد. (شافریتز و بریک، ۱۳۹۰)

پارسونز در کتاب مبانی سیاست‌گذاری عمومی و تحلیل سیاست‌ها شش رویکرد: مرحله‌ای، کثرت‌گرا/نخبه‌گرا، نئومارکسیستی، زیرسیستمی، گفتمان سیاست‌گذاری، نهادگرایی را به‌عنوان رهیافت‌های اصلی سیاست‌گذاری معرفی نموده و در ادامه از: سیاست‌گذاری عمومی تطبیقی، اجتماعی/اقتصادی، دولت‌حزبی، کشمکش طبقاتی، نو صنفی به‌عنوان دیگر رویکردهای این علم یاد کرده است. (پارسونز، ۱۳۹۲؛ ۷۰-۷۱) برای جمع‌بندی مباحث بالا، رویکردهای مورد بحث در قالب جدول زیر گردآوری و خلاصه شد:

جدول ۴-۲- رویکردهای سیاست‌گذاری عمومی

منبع	رویکردهای مطرح‌شده	وجه مورد نظر
پارسونز	مرحله‌ای، کثرت‌گرا/نخبه‌گرا، نئومارکسیستی، زیرسیستمی، گفتمان سیاست‌گذاری، نهادگرایی	تدوین سیاست
پارسونز	تطبیقی، اجتماعی/اقتصادی، دولت‌حزبی، کشمکش طبقاتی، نو صنفی	ارزیابی سیاست
پارسونز	هدف‌گرا، سود‌گرا، عمل‌گرا و توسعه‌گرا، عدالت‌خواه، مهندسی تدریجی، بازار گرا و فردگرا، اجماع‌گرا، عقلانیت‌گرا	تدوین سیاست

تدوین و اجرای سیاست	الف) رویکردهای معطوف به صورت‌بندی سیاسی و ب) رویکردهای معطوف به ابزار سیاستی	مارا و سیدنی
تدوین و ارزیابی سیاست	علمی، حرفه‌ای، سیاسی، اقتصادی	کرافت و نورلانگ
ارزیابی سیاست	اخلاقی، زندگی‌نامه نویسی، مطالعه موردی، حقوق عمومی، سیستمی، گزارش سیاسی، تحقیق رسمی	شافریتز و بریک

### ۳-۴- انواع الگوهای سیاست‌گذاری عمومی:

هریک از مراحل چرخه فرآیند سیاست‌گذاری عمومی به شکل‌ها و الگوهای مختلفی قابل تبیین و اجرا است. این الگوها نیز مانند چرخه فرآیندی، اصولاً ذهنی بوده و از رویکردهای حاکم بر حوزه پژوهش و پژوهشگران و جامعه موردپژوهش سرچشمه می‌گیرند. هیچ‌یک از این الگوها به‌تنهایی تبیین روشن و جامعی از فرآیند سیاست‌گذاری عمومی به دست نمی‌دهند و به نظر می‌رسد قدرت تبیین آن‌ها در مراحل مختلف چرخه فرآیند سیاست‌گذاری متفاوت و گاهی متعارض باشند. مهم‌ترین و کاربردی‌ترین این الگوها به شرح زیر هستند:

پژوهش دانشگاه لانگ بیچ کالیفرنیا ۲۲ الگوهای طراحی سیاست‌گذاری عمومی را در ۹ مورد برشمرده است: الگوی نهادی، الگوی توده/نخبگان، الگوی گروه، الگوی سیستمی، الگوی جریان‌ها و پنجره، الگوی خروجی سیاست‌افزایشی، الگوی منطقی، الگوی برنامه‌ریزی استراتژیک عمومی، الگوی نو نهادگرایی.

دشمنگیر و رواقی، الگوهای سیاست‌گذاری عمومی برای تحلیل سیاست را ۱۴ مورد و به عبارت: خردگرایی جامع، تدریجی، ترکیبی، سطل زباله، نخبگان/عموم (توده)، گروه، تعامل اجتماعی، انتخاب منطقی، شبکه سیاستی، ائتلاف حمایتی/زیر نظام سیاسی، مالک/کارگزار، نظام (سیستم)، جریان سیاسی برشمرده‌اند. این پژوهشگران الگوهای بالا را در دودسته شمی و منطقی دسته‌بندی کرده‌اند.



وجدانی نیا الگوهای در دستور کار قرار گرفتن مسائل و سیاست‌گذاری عمومی را در ۳ عنوان مدل ابتکار بیرونی، مدل بسیج عمومی، مدل ابتکار داخلی بررسی نموده است.

دای ۲۳ الگوهای تحلیل سیاست‌گذاری عمومی را در ۹ مورد به‌صورت: الگوی نهادی، الگوی فرآیندی، الگوی گروهی، الگوی نخبگان، الگوی عقلانی، الگوی فزاینده، الگوی بازی‌ها، الگوی انتخاب عمومی، الگوی سیستم‌ها تشریح نموده است. (ماکویی، ۱۳۸۷: ۳۹)

بریکلند در کتاب مقدمه‌ای بر فرآیند سیاست‌گذاری عمومی، از الگوی جریان‌های چندگانه، تعادل منطقی، تحلیل نهادی به‌عنوان جدیدترین الگوی سیاست‌گذاری سخن به میان آورده، انواع سیاست‌ها را نیز به‌عنوان: توزیعی، تقنینی و باز توزیعی، همیشگی و موقت، مادی و نمادین دسته‌بندی کرده است. از دید نویسنده این کتاب، این دسته‌بندی می‌تواند به مفهوم این نکته که چه نوع سیاستی با چه نوع سیاست‌گذاری همراه است؟ کمک نماید.

رفسنجانی نژاد از الگوی دیگری بنام الگوی شبکه سیاستی سخن به میان آورده، اعتقاد دارد این الگو در تحلیل سیاست‌گذاری در بسیاری از بخش‌های جهان معاصر، مانند بخش‌های مختلف صنعتی، ارتباطات، سیاست‌های زیست‌محیطی یا علمی کاربرد دارد. وی این الگو را رقیبی برای الگوهای نظریه بازی‌ها، رویکرد ایده‌ها ائتلاف مدافع برشمرده و اعتقاد دارد این مفهوم به‌منظور تحلیل و اجرای سیاست‌گذاری در سطوح مختلف محلی، ملی و قاره‌ای (اروپایی) و بین‌المللی استفاده شده است.

قلی پور و فقیهی (۱۳۹۳) در کتاب سیاست‌گذاری و تحلیل سیاست‌های عمومی بدون آنکه به شرح و توضیح نظریه‌ها و مدل‌های سیاست‌گذاری بپردازند این الگوها را از نظر ساخت به دودسته قیاسی و استقرایی تقسیم کرده‌اند؛ اما قلی پور و غلام پور (۱۳۹۳) در کتاب فرآیند سیاست‌گذاری عمومی در یک دسته‌بندی دیگر مدل‌های سیاست‌گذاری را در طیفی از خردگرایی تا واقعیت‌گرایی دسته‌بندی کرده‌اند. آن‌ها از مدل‌های سیاست‌گذاری عقلایی کامل، مدل رضایت‌بخش، مدل تدریجی و الگوی تلفیقی به‌عنوان زیر نظام‌های رویکرد واقع‌گرایی نام برده‌اند.

وحید در توضیح انواع مدل‌های تصمیم‌گیری در سیاست‌گذاری عمومی به مدل‌های خردگرایی کامل، خردگرایی محدود، آنارشی سازماندهی شده و در فرآیند اجرا به مدل کلاسیک اجرا و رویکردهای جدید آن پرداخته است. (وحید، ۱۳۸۸)

رُز ۲۴ برای الگوسازی به مفهوم سیاست‌گذاری عمومی مقایسه‌ای پرداخته و اعتقاد دارد که مدل باید برونداد یک فرآیند شناختی حاصل از بررسی خارج از محیط آکادمیک و با یادگیری درس‌هایی از گذشته و حال همچنین نوعی ارزیابی آینده‌نگرانه باشد. (رز، ۱۳۹۴)

کاظمی در کتاب مدیریت سیاسی و خط‌مشی دولتی سیاست‌گذاری عمومی را از نظر مدیریت دولتی بررسی نموده، فرآیند چرخه سیاست‌گذاری را بر اساس مکتب‌ها و رهیافت‌های مدیریتی، تحلیل حوزه‌های خط‌مشی گذاری عمومی، دمکراسی مشارکتی، سیاست سنجی، سیاست‌گذاری در شرایط بحرانی، سیاست‌گذاری در فرآیند توسعه و تغییر، سیاست‌گذاری در حوزه سیاست خارجی بررسی و در هرکدام از حوزه‌ها به فراخور بحث مدل‌ها و الگوهای سیاست‌گذاری عمومی - دولتی متنوعی را مطرح نموده است. با توجه به این‌که مباحث مطرح‌شده در این کتاب کمتر جنبه عمومی داشته و صرفاً در حوزه دولتی مطرح‌شده است بیان مدل‌های مذکور، همخوانی زیادی با اهداف این پژوهش نداشته بنابراین به همین مختصر بسنده شد. (کاظمی، ۱۳۷۹)

کرافت و نورلانگ نیز در کتاب سیاست‌گذاری عمومی، قوانین دولتی، سیاست‌ها، تحلیل و جایگزینی، الگوهای سیاست‌گذاری عمومی را در قالب پنج نظریه نخبگی، گروهی، نهادی، انتخاب عقلایی، سیستم‌های سیاسی بررسی کرده‌اند. (کرافت و نورلانگ، ترجمه هوشمندیار؛ ۱۳۹۶)

ملک محمدی در کتاب مبانی و اصول سیاست‌گذاری عمومی، الگوهای سیاست‌گذاری عمومی را در چرخه فرآیند سیاست‌گذاری دیده، در مرحله دستور کار سیاست‌گذاری به تشریح مدل کینگدان در سه بخش: جریان مسئله، سیاستی و سیاسی پرداخته است. وی در مبحث تدوین سیاست عمومی به بحث تحلیل سیاست‌ها و مدل‌های خطی و غیرخطی اشاره داشته است. (ملک محمدی، ۱۳۹۴؛ ۳۵-۳۷) این مدل از تقسیم‌بندی شباهت قابل‌توجهی با دسته‌بندی طیفی قلی پور و غلام پور (از خردگرایی تا واقع‌گرایی) و دسته‌بندی دشمنگیر و رواقی (شمی و منطقی) دارد. همچنین ملک محمدی در مرحله اجرای سیاست‌های عمومی از برخی الگوها مانند مدل‌های از پایین به بالا، مدل‌های بالا به پایین، مدل‌های ترکیبی نیز بحث به میان آورده است. (همان، ۷۲) در مدل‌های بالا به پایین اهداف و مقاصد سیاست‌گذاری ترسیم سپس وارد سطوح دیگر می‌شود اما در مدل‌های پایین به بالا تمرکز بر

شناسایی شبکه بازیگران در سطح پایین اجرایی و بحث از اهداف، استراتژی‌ها و فعالیت‌های آنهاست. مدل ترکیبی نیز نگاه دوگانه‌ای به اجرای سیاست‌ها و مجریان دارد.

جدول ۴-۳- الگوهای سیاست‌گذاری عمومی

منبع	تعداد	عناوین الگوهای مطرح شده
دانشگاه لانگ بیچ	۹	الگوی نهادی، الگوی توده/نخبه، الگوی گروه، الگوی سیستمی، مدل کینگدان، الگوی خروجی سیاست افزایشی، الگوی منطقی، الگوی برنامه‌ریزی استراتژیک عمومی، الگوی نو نهادگرایی
دشمنگیر و رواقی	۱۴	خردگرایی جامع، تدریجی، ترکیبی، سطل زباله، نخبگان/عموم (توده)، گروه، تعامل اجتماعی، انتخاب منطقی، شبکه سیاستی، ائتلاف حمایتی/زیر نظام سیاسی، مالک/کارگزار، نظام (سیستم)، مدل کینگدان
کوب و روس (به نقل از وجدانی نیا)	۳	مدل ابتکار بیرونی، مدل بسیج عمومی، مدل ابتکار داخلی (مدل‌های سه‌گانه کوب و روس)
دای	۹	نهادی، فرآیندی، گروهی، نخبگان، عقلانی، فزاینده، بازی‌ها، انتخاب عمومی، سیستم‌ها
بریکلند	۳	جریان‌های چندگانه، تعادل منطقی، تحلیل نهادی
رفسنجانی نژاد	۴	شبکه سیاستی، نظریه بازی‌ها، ایده‌ها، ائتلاف مدافع
وحید	۶	خردگرایی، خردگرایی کامل، خردگرایی محدود، آناشرشی سازماندهی شده، مدل کلاسیک اجرا، رویکردهای جدید
قلی پور و غلام پور	۴	سیاست‌گذاری عقلایی کامل، مدل رضایت‌بخش، مدل تدریجی، الگوی تلفیقی
کرافت و نورلانگ	۵	نظریه نخبگی، گروهی، نهادی، انتخاب عقلایی، سیستم‌های سیاسی
ملک محمدی	۸	جریان مسئله، سیاستی و سیاسی (تکرار مدل کینگدان)، مدل‌های خطی و غیرخطی، مدل‌های از پایین به بالا، مدل‌های بالا به پایین، مدل‌های ترکیبی

در این پژوهش در مجموع ۶۵ الگو از ده منبع، مورد شناسایی و جمع‌بندی پژوهشگر قرار گرفت. لازم به ذکر است که این جمع‌بندی، به معنی بیان همه الگوهای طراحی سیاست‌گذاری عمومی نبوده بلکه این موارد، در میان پژوهش‌های در دسترس پژوهشگر و طی دوره پژوهش به عمل یافت و مورد شناسایی و مطالعه قرار گرفته است. الگوهای مذکور پس از تجزیه و تحلیل و مقایسه و با حذف موارد مشابه به ۲۸ الگوی مستقل و قابل تفکیک کاهش یافت. در این زمینه باید گفته شود که بخش زیادی از این الگوها جنبه تحلیلی عام داشتند و معمولاً باهدف کلی «تحلیل سیاست‌گذاری عمومی» طراحی شده بودند به بیان دیگر ویژگی عمومی آن‌ها قابلیت استفاده برای مرحله «تحلیل» یا «ارزیابی» سیاست‌ها بود؛ اما برای تبیین و تحلیل دیگر مراحل چهارگانه فرآیند سیاست‌گذاری نیز قابل بهره‌برداری شناخته شدند. همچنین از نظر میزان همپوشانی هر الگو با هر یک از مراحل فرآیند سیاست‌گذاری عمومی، اختلاف قابل توجهی در میان آن‌ها به چشم می‌خورد. برخی از این الگوها صرفاً یک مرحله و برخی قابلیت توضیح و تحلیل چند یا تمامی مراحل فرآیند سیاست‌گذاری عمومی را دارا بودند. (که معمولاً از آن‌ها به عنوان الگوهای تحلیل سیاست‌گذاری عمومی یاد می‌شود) در ادامه این بحث ۲۸ الگوی تفکیک‌شده را بر اساس فرآیند سیاست‌گذاری عمومی (بیان‌شده در بخش ۲-۲-۱) در چهار دسته الگوهای طرح مسئله، الگوهای تصمیم‌گیری و تدوین سیاست‌های عمومی، الگوهای اجرای سیاست‌های عمومی و الگوهای ارزیابی سیاست‌گذاری عمومی تقسیم و به شرح زیر معرفی شده‌اند.

#### ۴-۴- چگونگی ساخت الگوهای ترکیبی

ایده الگوهای ترکیبی، اولین بار توسط «گارتلی» ۲۵ در سال ۱۹۳۲، در کتاب سودها در بازار سهام معرفی شد و بعدها محققین دیگری با تلفیق این الگوی اولیه که به نام الگوی گارتلی معروف شده بود، قوانینی برای معامله با این الگو را ایجاد کردند. تئوری اصلی الگوهای ترکیبی مبتنی بر حرکت قیمت نسبت به زمان و پیچیدگی‌های ناشی از تنوع متغیرها و تعدد بازیگران و وجوه مختلف معاملات است. این ساختار فرصت‌های مختلفی برای معامله‌گران فراهم می‌کند. ۲۶ کاربرد الگوهای ترکیبی به بازار و دانش مالی محدود نیست و در علوم انسانی و به‌ویژه در علوم سیاسی نیز موارد طرح و استفاده فراوانی دارد. از جمله این موارد به: الگوی ترکیبی جامع و تدریجی اتزیونی، الگوی ترکیبی بالا و پایین المور و ساباتیر و مدل تلفیقی عقلایی و تدریجی (قلی پور و غلام پور، ۱۳۹۳: ۸۴) می‌توان اشاره کرد.

25 Gartley.H.M

26 <https://arzdigital.com/what-are-harmonic-patterns>

همچنین همان‌گونه که پیش‌تر و در بحث «طرح مسئله» نیز بیان شد مسائل اجتماعی در یک حوزه اجتماعی بر دیگر مشکلات و مسائل عمومی دیگر حوزه‌ها نیز تأثیرگذارند و از آن‌ها تأثیر می‌پذیرند. به همین خاطر مسائل عمومی را باید به‌عنوان «سیستم‌های مشکلات» در نظر گرفت که در حوزه‌های مختلف اجتماعی ایجاد نارضایتی می‌کنند. برای تحلیل این سیستم‌ها استفاده از روش تحلیل سنتی تقسیم مشکلات به اجزا یا قسمت‌های مستقل، مشکل‌آفرین یا حتی غیرممکن است و لازم است تا روشی کلیتی را برگزید که مشکلات را به‌عنوان عناصر وابسته به یکدیگر و جدایی‌ناپذیر از سیستم کلی که به آن تعلق دارند، بیان نمایند. اگر مسائل عمومی به‌خوبی تعریف نشوند ممکن است راه‌حلی برای این مسائل پیدا نشود. در این صورت است که یک مسئله عمومی می‌تواند سیستم اجتماعی و نظام حاکمیتی را درگیر و با بحران روبرو گرداند.

نمونه دیگری از استفاده از استخراج الگو و تلفیق و ارائه الگوی ترکیبی رساله دکتری بشیری لحاقی، با عنوان «الگوی مطلوب همگرایی منطقه‌ای در حوزه همسایگان در سیاست خارجی ج.ا.ایران» در دانشگاه امام صادق (ع) است. پژوهشگر در این رساله ضمن تجزیه و تحلیل روند روابط کشور ایران با شش کشور حاشیه جنوب خلیج فارس (کویت، عربستان سعودی، قطر، بحرین، امارات عربی و عمان) و استخراج الگوی تعامل ایران با هریک از این کشورها، در پایان پژوهش خود، الگویی ترکیبی و شش‌وجهی به‌عنوان الگوی مطلوب همگرایی منطقه‌ای در حوزه همسایگان جنوبی ایران ارائه داده است.

#### ۴-۵- ضرورت بومی‌سازی الگوهای سیاست‌گذاری عمومی

بسیاری از محققین اعتقاد دارند الگوهای خطی تجویز شده و غیربومی امروزه دیگر کارا نیستند و باید الگوی سیاست‌گذاری هر کشوری با شرایط خاص و ساختاری آن تناسب داشته باشد. بومی‌سازی یعنی استفاده از انرژی، توان، تفکر و فنون محلی یا منطقه‌ای افراد، که نسبت به آن منطقه و یا محل تعهد و تعصب فزون تری دارند. (زاهدی مازندرانی، ۱۳۸۲؛ ۹۲) بومی‌سازی را می‌توان بخشی از فرهنگ منحصر به فرد هر محیط یا سرزمینی دانست و آن علم و تجربیاتی است که برای سازگاری با شرایط اقلیمی خاص محیط، از راه تجربه حاصل شده و به‌مرور به جزیی از فرهنگ اجتماعی و تولیدی آن جامعه بدل شده است. این دانش و فنون، سازگاری با طبیعت و داشتن رابطه معقول بین انسان و محیط‌زیست را بیان می‌کند و از این منظر با اصول توسعه بومی و پایدار هماهنگی کامل دارد. (جمعه پور، ۱۳۸۶؛ ۳۵) ویلیس برای الگوهای سیاست‌گذاری به شکل عام قائل به نوعی بعد مکانی است. او به‌عنوان مثال و به شکل ویژه در مورد الگوهای توسعه، عقیده دارد که توسعه بیشتر به‌عنوان امری دیده‌شده که اکنون در جنوب جهان در حال روی دادن است؛ اما در واقع بسیاری نظریه‌های توسعه بر پایه تجربیات شمال است که به

بخش‌های دیگر دنیا منتقل شده است. (ویلیس، ۱۳۹۳؛ ۲۳۱) در این میان نقش ارزش‌ها، باورها و تجربیات سیاست‌گذاران در نوع اندیشیدن و سیاست‌گذاری آن‌ها اهمیت قابل‌توجهی دارد. «عرب‌ها الزاماً بدان گونه‌ای که کانادایی‌ها تصمیم می‌گیرند عمل نمی‌کنند، بنابراین باید به زمینه فرهنگی سیاست‌گذاران توجه کنیم و بدانیم راه‌حلی که ارائه می‌کند به شدت تحت تأثیر فرهنگ، منطق و شیوه استدلال او قرار دارد و نیز ببینیم این‌که آیا تصمیمات سازمانی به صورت خودکامه گرفته می‌شود یا به صورت گروهی اتخاذ می‌گردد؟» (هنریوت پیتز، ۱۳۷۰؛ ۲۰) آنچه موجب برجسته شدن بحث بومی‌سازی در مطالعات اخیر شده است؛ آشکار شدن این مسئله است که استفاده از الگو، روش و تجربه دیگران بدون توجه به تفاوت‌های بین جوامع، فرهنگ‌ها و فضاهای آن‌ها، نمی‌تواند به توسعه پایدار و بادوامی در این جوامع بینجامد. تجربه نشان داده که بسیاری از فنون و روش‌ها در عرصه تولید، فرهنگ و اجتماع در جوامع محلی و بومی به دلیل سازگاری و انطباق با محیط‌زیست این جوامع موفق‌تر بوده است.

بشیری لحاقی در طراحی «الگوی مطلوب همگرایی منطقه‌ای در حوزه همسایگان در سیاست خارجی ج.ا.ایران» برای فرایند بومی‌سازی الگوی پیشنهادی خود مؤلفه‌های ضروری چون: عینی بودن، کاربردی بودن، نو بودن، چندبعدی بودن، هنجاری بودن، ایرانی بودن، راهبردی بودن را عناصر ضروری برای یک الگوی مطلوب شناخته است. همچنین وی از دسته‌ای دیگر از ارزش‌ها، شامل مبانی: قرآن کریم، دین اسلام، قانون اساسی نیز به‌عنوان ارزش‌های ورودی به الگوی پیشنهادی خود یاری جسته است.

#### ۵- نتیجه‌گیری

یکی از وجوه الگوهای سیاست‌گذاری عمومی، چرخه فرایندی یا همان شناخت‌شناسی الگوها است. در این پژوهش دستیابی به ده مدل چرخه فرایند سیاست‌گذاری عمومی حاصل شد که از منابعی چون: لاسول، جونز، بریجمن و دیویس، هاولت و رامش، کرافت و اسمیت، قلی پور، ملک محمدی و هاگوود و گان اخذ شده بود. از بررسی و تحلیل نظرات این پژوهشگران به ۴ مؤلفه مشترک، به‌عنوان چرخه فرایند حداقلی برای یک الگوی سیاست‌گذاری عمومی دسترسی حاصل شد. این چرخه شامل مراحل: طرح مسئله، تصمیم‌گیری و تدوین سیاست، اجرای سیاست و ارزیابی سیاست بود. از مطالعات رویکردهای حاکم در تدوین الگوهای سیاست‌گذاری عمومی نیز به ۲۱ رویکرد متفاوت دسترسی ایجاد شد که فضای کلی هر الگو را تشکیل داده و شناخت وجه سیاسی حاکم بر هر الگو را برای سیاست‌گذار به همراه خواهد آورد. همچنین از مطالعات صورت گرفته در زمینه انواع الگوهای سیاست‌گذاری عمومی که از سوی دوازده پژوهشگر یا پژوهشگاه ارائه شده بود نیز به شکل کلی به ۶۵ الگوی سیاست‌گذاری عمومی دستیابی ایجاد گردید که در نتیجه آن گستره شناختی سیاست‌گذار و سیاست پژوه نسبت به ابزارهای موجود

توسعه خواهد یافت. در ادامه و بر اساس سه وجه بالا، فرایند ساخت یا ترکیب این الگوها برای حل مسائل عمومی، در قالب یک چرخه چهاروجهی و حداقلی مورد تبیین قرار گرفت و این فرایند در نهایت با لحاظ ضرورت‌های محیطی به‌عنوان لزوم بومی‌سازی الگوهای سیاست‌گذاری عمومی تکمیل گردید. پس برای مسائل کلان اجتماعی یا به تعبیر علم سیاست‌گذاری برای مسائل عمومی لازم است تا ضمن تعریف یک چرخه فرایندی و تطبیق تعدادی از انواع الگوهای موجود، در ضمن ملاحظه رویکرد حاکم بر مسئله و ارزش‌های محیط آن جامعه، به‌صورت ترکیبی بهره‌برداری نمود.

۱. اشتریان، کیومرث، سیاست‌گذاری عمومی ایران، بنیاد حقوقی میزان، تهران، ۱۳۸۶.
۲. بشیری لحاقی، میثم، الگوی مطلوب همگرایی منطقه‌ای در حوزه همسایگان در سیاست خارجی ج.ا.ایران، رساله دکتری، دانشگاه امام صادق، ۱۳۹۶.
۳. پارسونز، واین، مبانی سیاست‌گذاری عمومی و تحلیل سیاست‌ها، دو جلد، ملک محمدی، حمیدرضا، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، ۱۳۹۲.
۴. پدرام، عبدالرحیم، جلالی وند، عباس، مقدمه‌ای بر آینده‌پژوهی؛ جلد ۱: آشنایی با آینده‌پژوهی، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، تهران، ۱۳۹۲.
۵. ترنر، جانانان اچ؛ مفاهیم و کاربردهای جامعه‌شناسی، محمد فولادی و محمدعزیز بختیاری، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۸.
۶. توسلی، غلام‌عباس؛ نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران، سمت، ۱۳۶۹.
۷. جمعه پور، محمود، کاریز دستاورد دانش و فرهنگ بومی، فصلنامه علوم اجتماعی شماره ۳۳، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران ۱۳۸۶.
۸. دای، تامس، مدل‌های تحلیل سیاست‌گذاری عمومی، ماکویی، سویل، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۱، شماره ۱، ۱۳۸۷.



۹. دشمنگیر، لیلا، رواقی، حمید، نظریه‌ها و الگوهای سیاست‌گذاری عمومی برای تحلیل سیاست‌های نظام سلامت، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، دانشکده مدیریت و اطلاع‌رسانی پزشکی، گروه آموزشی مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، ۱۳۹۳، صفحات ۶۸-۸۲
۱۰. رز، ریچارد، سیاست‌گذاری عمومی مقایسه‌ای، ملک محمدی، حمیدرضا، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، ۱۳۹۴
۱۱. ریشه، گی؛ کنش اجتماعی، هما زنجانی‌زاده، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۷۹
۱۲. زاهدی مازندرانی؛ محمد جواد؛ توسعه و نابرابری، انتشارات مازیار، تهران، ۱۳۸۲
۱۳. سورین، ورنر و تانکارد، جیمز؛ نظریه‌های ارتباطات، علیرضا دهقان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۶
۱۴. شافریتز و بریک، سیاست‌گذاری عمومی در ایالات متحده آمریکا، ملک محمدی، حمیدرضا، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ۱۳۹۰
۱۵. قلی پور، رحمت اله، غلام پوراآهنگر، ابراهیم، فرایند سیاست‌گذاری عمومی در ایران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۹۳
۱۶. قلی پور، رحمت اله، فقیهی، مهدی، سیاست‌گذاری و تحلیل سیاست‌های عمومی، انتشارات مهکامه، تهران، ۱۳۹۳
۱۷. کاظمی، علی اصغر، مدیریت سیاسی و خط‌مشی دولتی، دفتر نشر اسلامی، تهران، ۱۳۷۹
۱۸. کاویانی راد، اکولوژی سیاسی (مجموعه مقالات)، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، ۱۳۸۴

۱۹. کرافت، مایکل. ای و نورلانگ، اسکات. آر، سیاست‌گذاری عمومی، قوانین دولتی، سیاست‌ها، تحلیل و جایگزینی ها، نادر هوشمندیار، شورآفرین، تهران، ۱۳۹۶
۲۰. گولد، جولیس و همکاران؛ فرهنگ علوم اجتماعی، گروه مترجمان، تهران، مازیار، ۱۳۷۶
۲۱. ماژرزاک، آن، پژوهش و سیاست‌گذاری، نشر نی، تهران، ۱۳۹۲
۲۲. ملک محمدی، حمیدرضا، مبانی و اصول سیاست‌گذاری عمومی، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۹۴
۲۳. مندارس، هانری؛ مبانی جامعه‌شناسی، باقر پرهام، تهران، امیر کبیر، ۱۳۴۹
۲۴. هنریوت پیتر، جی، گزینه‌های توسعه: مسائل، استراتژی‌ها و ارزش‌ها، حمید فراهانی راد، انتشارات سازمان برنامه‌وبودجه، تهران، ۱۳۷۰
۲۵. وحید، مجید، سیاست‌گذاری عمومی، بنیاد حقوقی میزان، تهران، ۱۳۸۸
۲۶. ویلیس، کتی، نظریه‌ها و تجربه‌های توسعه، ایمانی جاجرودی، حسین و پوررجب، پیمان، انتشارات پژواک، تهران، ۱۳۹۳
۲۷. وجدانی نیا، ولی‌الله، مدل‌های دستور کار در سیاست‌گذاری عمومی، به آدرس الکترونیکی:

<http://vvnia.blogfa.com>